



## متن کامل بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع با شکوه مردم کرج - 24 / مهر / 1376

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. و الصلاة و السلام علي سيدنا و نبينا ابي القاسم محمد و علي آله الاطيبين الاطهرين. سيما بقية الله في الارضين. و السلام علي عباد الله الصالحين.

قبل از هر صحبتی لازم می‌دانم از شما مردم عزیز شهر کرج که با این محبت صمیمانه و پرشور، این اجتماع عظیم را تشکیل دادید و این دریای خروشان جمعیت را در این محل فراهم آوردید، و همچنین از برادران و خواهرانی که در مسیر، استقبال کردند و اظهار محبت نمودند، صمیمانه تشکر کنم. لازم می‌دانستم به این شهر که هم برای من حامل خاطرات عزیزی است، و هم در انقلاب و در جنگ و در حوادث بزرگ این سالهای پرافتخار دارای نقش بوده است، سفری بکنم، که بحمدالله امروز این توفیق دست داد و من امروز در مقابل دهها هزار جمعیت پرشور مؤمن و باصفا و انقلابی در این شهرستان قرار دارم.

مطالبی که مایلیم با شما در میان بگذارم، بعضی مربوط به شهر شماسه و بعضی مسائل عمومی کشور است، که خوب است شما عزیزان و برادران و خواهران در جریان این مطالب قرار داشته باشید و در این زمان هم، مردم کرج مانند همه ملت بزرگ ایران و مثل همیشه، سهم عظیم خودشان را در برابر این انقلاب انجام دهند؛ که داده اند و بحمدالله خواهند داد.

اما آن بخشی که مربوط به شهرستان کرج است، به طور خلاصه این است که امروز بعد از پیروزی انقلاب، دیگر امتیاز یک شهر فقط به این نیست که دارای آب و هوای ممتاز یا باغستانهای زیبا و سرسبز است. خدای متعال این نعمت را به کرج داده است؛ اما نعمتهای دیگر و بزرگتری هست که آن نعمتها را هم به طور وافر به این منطقه و شما مردم مؤمن و انقلابی آن بخشیده است.

امروز در شمار امتیازات درجه اول هر شهری این است که مردم آن شهر چقدر نسبت به سرنوشت خود، نسبت به کشور خود، نسبت به انقلاب خود، نسبت به نظام انقلابی خود، احساس مسؤولیت می‌کنند و در شمار ملت عظیم ایران، به وظایفی که برای سربلندی ملت و پیشرفت کشور بر عهده همه است، عمل می‌کنند. من اگر بخواهم در این زمینه نسبت به شهر کرج مطلبی بگویم، باید بگویم که شهر کرج در این زمینه، در طول انقلاب امتحان بسیار خوبی داده است. این را ما شاهد بوده ایم و از نزدیک مشاهده کرده ایم. از همان لحظات حساسی که انقلاب اسلامی پیروز می‌شد و دشمن با چنگ و دندان سعی می‌کرد در مقابل انقلاب، موجودی خود را حفظ کند، شهر کرج و مردم کرج و جوانان آن روز کرج، نقش خود را ایفا کردند. در این جا بود که مردم شنیدند قرار است از منطقه ای تانکهای نظامی به سمت تهران سرازیر شود، تا از پادگانهایی که در تهران در دست مردم قرار گرفته است، دفاع کند و پادگانها را از دست مردم خارج نماید. مردم کرج اعلام آمادگی کردند که در مقابل آن تانکها بایستند و مانع شوند که تهران مورد حمله قرار گیرد. شاید همین اعلام آمادگی، مشکل را از تهران دفع کرد. این اولین قدمی بود که این شهر بیدار و جوان و سرزنده در انقلاب برداشت.

البته من هیچ تعجبی نمی‌کنم؛ چون از قبل از انقلاب این شهر را در مایه های انقلابی، در زمینه های مربوط به نهضت و حرکت، از نزدیک دیده بودم. در سال 1345 - یعنی درست سی و یک سال قبل - در مسجد جامع این شهر جمعیت پرشور و مؤمنی جمع می‌شدند، تا در آن ایام اختناق مطلق، سخنانی را بشنوند. من روزها و شبهای ماه رمضان از تهران می‌آمدم و با این مردم حرف می‌زدم. البته پلیس و دستگاه امنیت آن رژیم اختناقی و خفقان بار و ضدآزادی، اجازه ندادند که آن ماه رمضان به شکل مطلوب تمام شود، و جلسات را قطع کردند. من از آن وقت، مردم کرج و روحیه کرج و نشاط و سرزندگی را در این شهر می‌شناختم؛ لذا تعجبی نمی‌کنم.



از لحظات پیروزی انقلاب هم هر چه گذشته است، همین روحیه تکرار شده است. در این خصوص می توان به تشکیل تیپ سیدالشهداء از مردم کرج و جوانان مؤمن این شهر و بعد از اندکی تبدیل آن تیپ به یک لشکر مقتدر و نیرومند و بعد در مجموعه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اشاره کرد که امروز یک لشکر سازمانی و یک سپاه عملیاتی به تمام توان و قدرت، متشکل از همین جوانان این منطقه است و من شنیدم بسیج این شهرستان و حتی شوراهای اسلامی در این جا هم با گذشت هجده سال از انقلاب، هنوز با نشاط و فعالیتند. پس، این نعمت - یعنی نعمت مشارکت مردم در دفاع از کیان انقلاب و از عزت و آبرو و سربلندی کشور - نعمت بزرگی است. من به شما عرض کنم که با همین روحیه است که جوانان خواهند توانست نقش خود را در هر مرحله ای در پیشبرد و توسعه و آبادانی کشور ایفا کنند، و مردمی چون شما می توانند با چنین روحیه ای مدعی شوند که عضو فعال یک ملت زنده و عزیز مانند ملت ایرانند.

البته به مناسبت این سفر و قبل از آن، گزارشهایی هم در زمینه مسائل و مشکلات مردم داده شده است. این جا هم، با مسؤولان و با بخشهایی مختلف، گفتگو و استفسار خواهد شد و ان شاءالله مشکلات شناسایی و به مسؤولان و برادران خدمت و زحمتکشان در دولت منتقل خواهد گردید و پیگیری خواهد شد، تا به قدری که دولت خدمتگزار می تواند و در وسع اوست، این گرفتاریها برطرف شود. شهر کرج با جمعیت بیش از یک میلیون - که در طول بیست سال گذشته جمعیت آن بیش از پنج برابر افزایش پیدا کرده است - از لحاظ مسائل فرهنگی، مسائل بهداشت و درمان، ارتباطات و غیره احتیاج به خدماتی دارد که امیدواریم به فضل پروردگار با پیگیریهایی که خواهد شد، مسؤولان به وظایف خودشان در این زمینه ها عمل کنند و از مردم عزیز و مؤمن و انقلابی ای مانند شما قدردانی شود. و اما مسائلی که مربوط به کشور است. هر ملتی که زنده و بیدار و آگاه باشد و بخواهد کشور خود را از مشکلاتی که بر آن تحمیل شده است، نجات دهد، باید تا آن جا که می تواند، در میدان کار و تلاش و سازندگی، با قدرت پیش برود و گوشش بدهکار حرف و گفت دشمنان و این و آن نباشد. فرقی نمی کند؛ همه بخشهای سازندگی در این جهت مهم است: سازندگی علمی و صنعتی، سازندگی اقتصادی، سازندگی فرهنگی و سازندگی اخلاقی. اگر همه ملتهای در حال توسعه به این فکر بودند که بر روی پای خود، با اراده خود، بر طبق نیاز خود، خودشان همت به خرج دهند و از مسؤولان بخواهند و همه با هم به سمت مقاصد بزرگ خود حرکت کنند - که بحمدالله ملت ایران این طور عمل می کند - یقیناً میدان برای زورگوییها و استکبارها و قلدریهای بین المللی باز نمی شد. متأسفانه دنیا این طور نیست؛ اما ملت ایران این گونه است.

با وجود این که ملت ایران باید در راه سازندگی و پیشرفت، گوشش بدهکار حرفهای دشمن نباشد و پیش برود، در عین حال باید بداند دشمن درباره او چه فکری دارد و چه نقشه ای را برای دشمنی طرح کرده است. برادران و خواهران عزیز! اگر از دشمن غافل شدید و غافل شدیم، یقیناً دشمن از این غفلت استفاده خواهد کرد و راه پیشرفت و استقلال ملت را سد خواهد نمود. برای این که بدانیم دشمن در سر چه می پروراند، همه البته وظیفه دارند و دستگاههای دولتی هم در این زمینه ها فعالیتند؛ اما تبلیغات دشمن هم نشان دهنده است.

در ماههای اخیر، دو جریان تبلیغاتی از سوی خبرگزاریهای دشمنان در سرتاسر مناطق مربوط و مرتبط با نظام جمهوری اسلامی به راه افتاده است، که من مختصری درباره آن صحبت می کنم:

یک جریان این است که این طور وانمود می کنند که نظام جمهوری اسلامی از لحاظ اقتصادی دچار مشکلات اساسی و غیرقابل حل است! هم در زمان دولت قبلی این را تبلیغ می کردند، هم از زمانی که دولت جدید بعد از آن انتخابات سی میلیونی در ایران روی کار آمده است، باز تبلیغات دشمنان به عنوان یک مستمسک بر روی همین مطلب تکیه می کند. این، یک جریان تبلیغی است.

یک جریان دیگر مربوط به مسائل فرهنگی و فکری و انقلابی مردم است. این طور تبلیغ می کنند که گویا نظام



جمهوری اسلامی، یا مسؤولان و یا دولت، نسبت به ارزشهای انقلابی بی اعتنا و بی مبالا شده اند، یا به این سمت حرکت می کنند! تبلیغات عمده استکبار جهانی درباره ایران بر روی این دو خط قرار دارد.

اول من به شما عرض کنم که هدف دشمن از این دو جریان تبلیغاتی چیست. چرا می خواهد وضع را از لحاظ اقتصادی تیره و تار نشان دهد و چرا می خواهد وضع را از لحاظ انقلابی و فرهنگی دچار هزیمت قلمداد کند. علت چیست؟ در یک کلمه، علت این است که با این کار می خواهند نور امید را از دل ملت ایران و بخصوص دل جوانان محو کنند؛ فروغ امید را در دلها خاموش و مردم را ناامید نمایند.

عزیزان من! امید، بزرگترین قوه محرکه انسان است. امید به پیروزی، امید به پیشرفت و امید به موفقیت، هر انسانی را به حرکت وادار می کند. اگر شما بخواهید هر انسان فعال و سرزنده و شادابی از حرکت بیفتد، کافی است او را ناامید کنید. اگر ناامید کردید، دستهای فعال سست خواهد شد؛ زنان فعال و استوار به لرزه خواهد افتاد. می خواهند ملت ایران را ناامید کنند. چرا؟ چون می بینند که ملت ایران امروز به سوی یک آینده خوب و روشن که در آن، هم دنیای مادی او تأمین است و هم عزت و سربلندی و ایمان و نفوذ او در سطح دنیای اسلام تأمین می شود، حرکت می کند.

ملت ایران امروز در صحنه بین المللی و در مقابل چشم ملتهای عالم، به عنوان یک ملت زنده، به سمت هدفهایی که برای هر ملتی شورآفرین است و هر مجموعه انسانی را در هر جای دنیا به هیجان می آورد، می رود؛ یعنی به سمت استغنا و استقلال مطلق از همه کسانی که ملتها را با صنعت و با مواد ساخته شده به دست خود ذلیل می کنند، پول ملتها را غارت می کنند، منابع ملتها را از دست آنها درمی آورند، و شرف و عزت و روحیه استغنائی آنها را نیز در هم می کوبند.

ملت ایران با انقلاب خود، مشتی بر دهان این گونه مستکبران زد. در جنگ، مشتی محکمتری زد. در میدان سازندگی هم توانست با قدرت و با اراده خود، به دهان دشمنان مشتی بکوبد و آنها را در مقابل حرکت و همت و جسارت و سرعت عمل خود خیره کند. ملت ایران باز هم پیش می رود.

ما هنوز وسط کاریم. می خواهند ملت را در این حرکت، متوقف و او را ناامید کنند. به همین خاطر است که آن دو جریان تبلیغی را به راه می اندازند. هدف آنها این است. اما من به شما عرض کنم که هر دو مایه تبلیغی، دروغ و خلاف واقع و مبتنی بر ترفند است. اگر ملت ایران با همین انسجامی که بحمدالله امروزیین او و دولت وجود دارد - مسؤولان در جهت ساختن و آبادکردن این کشور حرکت می کنند و مردم هم به مسؤولان کشور اعتماد دارند و بنای کشور و نوسازی کشور هم زیر سایه اسلام و انقلاب شروع شده است - پیش برود - که می رود - خواهد توانست در آینده معقولی و در مدت زمان قابل محاسبه ای، به عنوان ملتی ثروتمند و دارای دانش و با زندگی ای که شایسته مردمی فعال و سربلند است، در دنیا و در میان کشورها سر بلند کند و خود را نشان دهد.

البته این برای دشمن بسیار تلخ است. عده ای هم شاید باشند که بر اثر تلقینات دشمن، دچار بدبینی شده اند؛ اما بدبینی را باید در این میدانها راه نداد. نیمی از جمعیت ملت ما جوان است. جوان، یعنی مرکز نیرو و امید و ابتکار عمل. ما ملتی داریم با جمعیت جوان، با دانشگاههای رو به گسترش، با فارغ التحصیلان روزافزون مراکز علمی، که امروز نسبت به دوران قبل از انقلاب، به اضعاف مضاعف افزایش پیدا کرده است و دهها برابر آن روز، این کشور دانشگاه و مرکز علمی و تحقیقی دارد. این از نیروی انسانی، این از مراکز تعلیم و تربیت نیروی انسانی، آن هم از امکانات این کشور.

کشوری دارای منابع زیرزمینی، دارای زمینهای حاصلخیز، دارای قدرت مهار آبهای کشور - که البته آب کشور کم است؛ اما قابل مهار و استحصال بهتر است - و از همه بالاتر، کشوری با مایه های دینی - که هر کشوری مایه های دینی در آن باشد، مردم با تقوا پرورش می یابند و وقتی بانقوا شدند، از ذخیره های مادی و معنوی به بهترین وجهی



استفاده می کنند - چرا به آن جا نرسد؟ چرا باید عده ای تردید کنند که ایران اسلامی با گذشت فاصله زمان معقولي، خواهد توانست به صورت یک نمونه و یک الگو برای کشورهای این منطقه و مناطق دیگر درآید؟ جای هیچ تردیدی نیست. بنابراین، تبلیغ این که کشور ایران دچار بیماریهای لاعلاج اقتصادی است، یک تبلیغ خصمانه و بدبینانه و از روی عناد و دشمنی است؛ تعمیم مشکلات کوچک بر همه جا و همه چیز است و خلاف واقع است.

و اما نکته دوم، تبلیغ دورماندن مسؤولان یا متصدیان دولتی یا جوانان از مبانی اسلام و دین و انقلاب است. این دروغ، از آن اولی بزرگتر است! به هیچ وجه چنین نیست. امروز در این کشور، هر کس که در یک مسؤولیت بزرگ و تعیین کننده مشغول انجام خدمت است، بزرگترین هدفش آن است که بتواند این کشور را با تعالیم زندگی بخش اسلام بسازد؛ این کشور را به برکت دین خدا آباد کند؛ این کشور را به عزتی که دین خدا برای مردم خواسته است برساند؛ این کشور را به آبادانی و علم و تمدنی که اسلام به انسانها و ملتها می دهد، نائل کند. هدف، این است. ملت ما ملتی است که در قعر ظلمات بی دینی و طاغوتی توانست خورشید دین را از پشت ابرها خارج کند و انقلابی بر اساس اسلام و قرآن به وجود آورد که چشم همه ملت‌های دنیا - نه فقط ملت‌های مسلمان - را خیره کرد. امروز هم همین طور است. امروز هم اگر شما به کشورهای امریکای لاتین و در میان جوامع مسیحی - جوامعی که کمترین ارتباطی با ایران و اسلام ندارند - بروید، خواهید دید که نام انقلاب و نام مبارک امام بزرگوار این انقلاب - حضرت امام خمینی - شناخته شده است. از همه اکناف عالم، دهها کتاب و رساله و صدها مقاله و شعر و قطعه ادبی از ادبیات‌ها و فرهنگ‌های گوناگون در عظمت این انقلاب صادر شده است. چنین انقلابی را این ملت به راه انداخته است. این انقلاب و این ارزش‌های انقلابی و این اسلام عزتبخش توانسته است این کشور را که یک روز به صورت پانداز استکبار جهانی محسوب می شد، به عزت برساند. این تهرانی که شما مشاهده می کنید، یک روز محل امن صهیونیست‌هایی بود که برای تفریح، به باغ‌های شمال تهران می آمدند و در خانه اشراف و اعیان رژیم طاغوت استراحت می کردند، تا به فلسطین اشغالی برگردند و با برادران مسلمان فلسطینی ما با خیال راحت تری مبارزه کنند و به سرکوب آنها پردازند. صدها هزار اسرائیلی و امریکایی در این کشور، بر همه شؤون این کشور مسلط بودند. بهترین مناطق این کشور در دست نوکران جیره خوار استکبار جهانی بود. بهترین مناطق و بهترین امکانات این کشور متعلق به بیگانگان بود. ارزش این ملت در صحنه بین المللی و سیاست‌های بین المللی دنیا، به هیچ وجه به اندازه ارزش حتی یک کشور کوچک در فلان گوشه مناطق اروپایی و امریکای لاتین نبود. امروز این کشور به برکت اسلام آن چنان عزیز شده است که حتی دشمنان هم اعتراف می کنند که این ملت، ملت عزیزی است و این کشور، کشور مقتدری است. ملتی که از اسلام چنین بهره عظیمی برده است، به ارزش‌های اسلامی هرگز پشت نخواهد کرد.

هم جوانان این ملت، هم مسؤولان این کشور، هم قشرهای مختلف و همه کسانی که ایران را سربلند می خواهند، می دانند که تا وقتی پرچم اسلام بر این کشور گسترده است و پرتو اسلام ناب محمدی از این کشور به سرتاسر دنیای اسلام می تابد، این کشور عزیز است؛ این کشور در میان ملتها سربلند است و این کشور - هم از لحاظ مادی، هم از لحاظ معنوی، هم از جهات علمی و فرهنگی و هم از همه جهاتی که برای یک ملت دارای اهمیت است - آینده دار است. این ملت با این خصوصیات، از اسلام و از قرآن و از ارزش‌هایی که قرآن آنها را در مقابل ارزش‌های طاغوتی مطرح کرده است، دست برنخواهد داشت و به وسیله اسلام خواهد توانست ملت‌های دیگر را هم به فضل پروردگار نجات دهد. این، وضع ملت ایران است که دشمن یا عمداً و یا از روی غلط و اشتباه، آن را بد می فهمد، بد تفسیر می کند و بد تبلیغ می نماید.

البته ما از دشمن انتظاری هم نداریم. آنچه برای ملت ایران مهم است، این است که ملت عزیز ایران عناصر اقتدار خود را باید بشناسد. امروز شما در دنیا از عزت و شخصیت و عظمت برخوردارید. امروز دولت و ملت ایران در میان



دولتها و ملت‌های عالم، به عنوان یک دولت و ملت برجسته و با شخصیت و شجاع و غیرقابل تحمیل معرفی شده است. باید ببینید که ملت و دولت ایران، این چهره درخشان و با عظمت را از کجا به دست آورده است؟ اولین عاملی که این هدیه بزرگ را به این ملت اهدا کرده است، همین پرچم با عظمت اسلام و قرآن است. امروز این پرچم به دست شما مردم سپرده است و شما آن را حفظ کرده اید. کسی اسلام را بر ملت ایران تحمیل نکرد. اسلام از اعماق دل یکایک ملت ایران برآمد و توانست به آنها روحیه و نیرو و توان بدهد و آنها را در صحنه‌های گوناگون جهانی و داخلی و عرصه‌های مختلف زندگی، به صورت انسان‌های مقاومی درآورد. این را باید حفظ کنید و قدرش را بدانید؛ که می‌دانم قدر هم می‌دانید.

البته بعضی از قشرها وظیفه سنگینتری دارند. روحانیون محترم و روشنفکران مؤمن، در این زمینه‌ها مسؤولیتهایی مضاعفی دارند. در شهری مثل کرج، با این جمعیت زیاد و با این همه جوان، باید مراکز تبلیغی، دینی به شکل مدرن و پرجاذبه و به صورت متعدّد وجود داشته باشد و جوانان و نوجوانان مؤمن و علاقه‌مند بتوانند بر طبق آن کشش و جاذبه‌ای که در سنین جوانی به طور طبیعی به سمت ارزش‌های معنوی دارند، این احساس و این کشش را اشباع کنند. این وظیفه‌ای است که بر عهده مسؤولان فرهنگی و روحانیون محترم و علمای مکرّم و انجمن‌های اسلامی مدارس و دستگاه‌های مختلف است.

عنصر دوم، وحدت و اتحاد ملت بوده است. من به شما عرض می‌کنم که عزیزان من! ملت ایران به برکت وحدت کلمه، هم در جنگ، هم در بسیج نیروها برای میدان‌های دفاع مقدس، هم در همه میدان‌های گوناگونی که برای این ملت مطرح بود و هم در خود انقلاب، پیروز شد. اگر وحدت کلمه نبود؛ اگر ملت ایران دچار اختلافات و دودستگی‌ها و شکاف‌ها و شقاق‌ها می‌شد - که دشمن می‌خواست این کار را بکند، ولی بحمدالله موفق نشد - ناموفق می‌ماند. این وحدت را باید حفظ کنید.

شهر کرج، یک نمونه از همزیستی قشرهای گوناگون از بخش‌های مختلف کشور با یکدیگر است. در این شهر، چه مردم بومی کرج و این منطقه و چه میهمانان و مسافرانی که از بخش‌های مختلف آمده‌اند، با یکدیگر در کمال آرامش و مهربانی زندگی می‌کنند. در همه جای کشور، یک آهنگی و یکدلی در طول انقلاب توانسته است مردم را در همه برنامه‌ها موفق کند. باید مراقب باشید که این وحدت حفظ شود.

نباید بگذارید به بهانه‌های مختلف، دشمن با دست‌های نامرئی و پنهان مابین مردم اختلاف بیندازد. در مواقع حساس دیده شده است، آن‌جا که زمینه‌ای فراهم می‌شود، حتی رادیوهای دشمنان بیرون مرز - که با پول‌های گزافی این رادیوها را راه می‌اندازند و با دقت، مطالبی را انتخاب می‌کنند، تا بتوانند ملت ایران را دچار دغدغه و اضطراب کنند - عملاً حرف‌های اختلاف‌انگیزی را مطرح می‌کنند، برای این که دل‌ها را از هم جدا کنند. به این حرف‌ها و به این وسوسه‌ها که از دل سیاه و بدخواه دشمنان شما برمی‌خیزد، هیچ اعتنایی نکنید.

ملت بزرگ ما یک ملت واحد است؛ ایرانی است، مسلمان است، در پی عزّت و عظمت ایران اسلامی است، در پی اقامه حق و عدل در ایران و سپس در سطح جهان است. اینها هدف‌های مشترکی است که افراد جدایی‌ناپذیر از هم را نیز کنار هم قرار می‌دهد؛ چه برسد به برادران.

یک بخش دیگر از مظاهر وحدت، وحدت میان ملت و مجریان است. امروز یکی از مشکلات بزرگ کشورها، این بخش قضیه است. در کشورهای مختلف، بین عموم و یا بخش‌های عمده‌ای از مردم و دستگاه‌های اجرایی، اختلافات عمیقی وجود دارد و همه چیز مردم قربانی این اختلافات می‌شود؛ نان و آب مردم، امنیت مردم، آسایش مردم. در بعضی از کشورهای اروپایی، حتی در طول ده سال، بیش از ده دولت سرکار آمدند و از بین رفتند. چرا؟ به خاطر رقابت‌های مردمی که به فکر مصالح کشورشان نیستند و به فکر مصالح گروهی خودشانند. در همسایگی ما هم چنین کشوری هست. امروز شما ببینید در کشور افغانستان، گروه‌های افغانی همه متعلق به یک کشورند؛ اما چنان به جان



هم افتاده اند که دشمنان خونی جدای از یکدیگر، این طور باهم نمی جنگند که اینها با هم می جنگند! این بیچارگی یک ملت است، این تیره روزی یک ملت است که خدای متعال آن را به چنین وضعی دچار کند. در کشوری که برادران با هم بجنگند و هرکس به فکر خود باشد، آنچه از دست می رود، مصالح عموم ملت است.

البته دشمنان خیلی سعی کردند که ملت بزرگ ایران را هم به این ورطه بیندازند؛ اما نتوانستند. به فضل پروردگار، شکل نظام جمهوری اسلامی آن چنان است که ایجاد این گونه اختلافات میان مردم، برای دشمنان کار بسیار دشواری می نماید. البته بیداری شما مردم نقش داشته است و من می خواهم باز هم به همین بیداری شما تکیه کنم.

بحمدالله این بخش دوم هم - یعنی اتحاد و همدلی میان مردم و مسؤولان - از اول انقلاب بوده است؛ بخصوص از آن وقتی که عناصر بیگانه طلب و بیگانه پرست، شرّ خودشان را از این انقلاب کم کردند و رفتند و نیروهای مؤمن و نیروهای خطّ امام، زمینه حضور بیشتری پیدا کردند. از سال 1360 به این طرف، همیشه همین طور بوده است. مردم با مسؤولان مهربانند، به مسؤولان علاقه مندند؛ مسؤولان هم خود را خدمتگزار مردم می دانند. امروز هم همین طور است، در دولت قبل هم همین گونه بود، این دولت هم همین طور است. این اتحاد را قدر بدانید. وحدت کلمه جزو عناصر اصلی برای انسجامی است که آن انسجام، شرط اصلی موفقیت ملت ایران است.

امروز دشمنان این ملت - یعنی امریکاییها و صهیونیستها، که بزرگترین و لجوجترین دشمنان ملت ایران، رژیم ایالات متحده امریکا، و زیر بال او رژیم غاصب و غیرمشروع صهیونیستی در فلسطین است - حاضرند از هر تلاشی استفاده کنند، برای این که به ملت ایران ضربه بزنند.

من وقتی که صحنه تلاشهای بین المللی اینها را در مقابل صحنه تلاش مخلصانه و مؤمنانه ملت ایران مقایسه می کنم، می بینم که اراده الهی و فضل پروردگار بر این ملت، مقتضی آن است که هرچه آنها تلاش کنند و هرچه زحمت بشکنند، باز در نهایت بر این ملت فائق نمی شوند و این ملت خواهد توانست دشمنان را در همه این صحنه ها به زانو در آورد.

امیدواریم که خداوند متعال، ملت عزیز ایران را موفق بدارد و شما مردم عزیز کرج را در حرکت زیبای همزیستی فعالی که در پیش گرفته اید، هرچه بیشتر موفق کند. من هم بیش از این شما عزیزان را در این جا معطل نکنم. بعضی از شما از ساعتها پیش در این اجتماع انتظار کشیده اید و من مقتضی نمی دانم بیش از این شما را در زیر آفتاب نگهدارم. ان شاءالله موفق و مؤید باشید.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته